

نسل آینده ساز

عبدالله بن عبدالمطلب

استعداد : توانایی دورنی

امتیاز : وجه تمایز

آباد ، آزاد ، مومن ، پاکیزه « مراعات نظیر »

رغم : با وجود ، برخلاف

واقعیت : حقیقت موضوع

عکس این : خلاف این

به هیچ وجه : به هیچ صورت و شکل

مطبوعات : روزنامه ها ، هر چیزی که چاپ شود .

انحراف : از راه راست خارج شدن

صلاح : درستکاری « مصلح ، اصلاح »

پاکدامنی : دوری از گناه

پارسایی : زهد و تقوا

اعتراف کنند : بازگو کنند

همت : تلاش و اراده

غیرت : آبرو و مردانگی داشتن

هیات : گروه و دسته

استحکامات : پشتوانه ، موانعی که برای مقابله با دشمن ساخته می شود.

بحمدالله : شکر خدا

برافراشته : بلند کردن

والا : برتر و بالا / متعال : بلند مرتبه

شکفتن : شکوفا شدن / نسل : نژاد ، دودمان

جوان و نوجوان ، همه جوانان نیر و استعداد است. جوان یعنی آینده. جوان خوب برای یک کشور، یعنی آینده خوب. جوانان و نوجوانان ما اهل فکر کردن، دریافتن و تحلیل کردن هستند. این هم امتیاز دیگری است.

همه آنچه در تحلیل های دشمنان این وقت و این کشور به عنوان نقطه مرکزی مشاهده می شود، این است که این نسل جوان و پرشور و آینده ساز را از راه های مختلف برای ساختن ایران آباد و آزاد و مومن و پاکیزه آینده، ناتوان کنند. اما به رغم تلاش های دشمنان، واقعیت، عکس این

۳۲

است. من به هیچ وجه قبول نمی کنم حرف ها و تحلیل های کسانی را که گاهی در برخی از مطبوعات یا رسانه ها از انحراف نسل جوان سخن می گویند؛ این طور نیست. اگر گاهی اشتباه و خطایی از جوان سر بلند، با توجه به دل پاک و نورانی جوان، این اشتباه کاملاً قابل جبران است. اینها چرا صلاح و پاکدامنی و پارسایی و صداقت جوانان را نمی بینند؟ چرا شور و شعور جوانان را نمی بینند؟ متخصصان و دانشمندان جهانی مجبور شده اند اعتراف کنند که جوانان ما با پشتوانه ایمان و همت و غیرت، توانسته اند استعداد جوانان و پنهان خود را آشکار کنند.

وقتی جوان های ما خرمشهر را باز پس گرفته بودند، ادلیل ریاست جمهوری بنده بود. یک هیئت جهانی به ایران آمد و رئیس آن به من گفت: «امروز در دنیا وضع شما با یک سال پیش، از زمین تا آسمان تفاوت کرده است.» راست می گفت. دنیا باور نمی کرد جوانان ما، بسیجیان ما و ارتش ما بتوانند خرمشهر را با آن همه استحکاماتی که دشمن و پشتیبانانش درست کرده بودند، پس بگیرند. جامعه ما بحمد الله از میلیون ها جوان دختر و پسر برخوردار است. این بایه افتخار برای ملت ما است. این ملت باید به وجود این همه جوان، این همه استعداد و این همه دل پاک و نورانی ببالد. جوان هم باید به کشور خود، به انقلاب خود، به نظام اسلامی خود و به پرچم برافراشته اسلام خود ببالد و آینده را بسازد. آینده با حرف ساخته نمی شود؛ با کار حوشمندانه و مؤمنانه ساخته می شود؛ باید کار کنید، آن هم کار حوشمندانه و برخوردار از پشتوانه ایمان.

به شما جوانان به عنوان فرزندان عزیز و پاره های دل این ملت... می گویم: عزیزان من، کار کنید؛ امروز دشمنان نمی خواهند دانشگاه و درس و مدرسه و معلم باشد. دشمنان ما نمی خواهند میلیون ها جوان با درس خواندن و حفظ ایمان و رشکاری و پارسایی و پاکدامنی شان در این منطقه فردای مملو هندی را برای ایران مقتدر به وجود بیاورند.

۳۳

منظران بهار فصل شکفتن رسید
مژده به گل هایید، یارب گلشن رسید

معنی: ای کسانی که در انتظار بهار هستید فصل شکوفا شدن غنچه ها و رویدن گیاهان از راه رسید و به گل ها مژده بدهید که یار و معشوقه ما به گلستان رسید .

نکات و عبارت های شعر توفیق ادب:

ای خدای فضل تو حاجت روا
با تو یاد هیچ کس نبود روا

معنی: ای خدایی که لطف و احسان تو نیاز های ما را برآورده می کند با وجود تو یاد کردن از هیچ کس شایسته نیست .

روا مصراع اول: برآورده کردن

روا مصراع دوم: شایسته بودن

قطره ای دانش که بخشیدی ز پیش
متصل کردان به دریاهای خویش

معنی: علم اندکی که از نزد خودت به ما بخشیدی به دریای علم خودت وصل کن.

قطره: نماد کمی **دریا:** نماد بسیاری

صد هزاران دام و دانه است ای خدا
ما چو مرغان حریصی بی نوا

معنی: علم اندکی در درون وجود ما است. آن را از هوی و هوس و خواسته های مادی نجات بده .

دام دانه: نماد مشکلات و سختی های دنیوی .

گر هزاران دام باشد هر قدم چون تو بامالی نباشد هیچ غم

معنی: خدایا در مسیر ما هزاران گرفتاری وجود دارد در حالی که ما همچون پرندگانی طمع کار و بیچاره ایم .

از خدا جویم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از لطف رب

معنی: از خدا می خواهم که در راه بدست آوردن ادب ما را یاری کند . زیرا انسان بی ادب از رحمت خداوند بی نصیب است .

بی ادب تنها ز خور داشت بد بلکه آتش در به آفاق زد

معنی: انسان بی ادب نه تنها به خودش بدی می کند بلکه بدی او همه جهان را در می گیرد .

حاجت: نیاز

فضل: بخشش و احسان

متصل: وصل

روا: سزاوار

دام: تله

حریص: زیاده جو ، طمع کار

محروم: بی نصیب

توفیق: سازگاری ، موافقت

افاق: جمع افق ، کرانه های آسمان

تاریخ ادبیات:

مولانا : شاعر قرن هفتم . آثار او عبارتند از : **مثنوی معنوی « 26000 بیت » ، فیه ما فیه**

ترکیب های وصفی :

اسم + نقش نما + صفت = ترکیب وصفی

گل زیبا ، مدرسه بزرگ ،

ترکیب اضافی :

اسم + نقش نما + اسم = ترکیب اضافی

دست علی ، کتاب تاریخ ،

برای تشخیص ترکیب وصفی و اضافی به کلمه اول « ی » به کلمه دوم « تر » اضافه می کنیم .

اگر معنا داد ترکیب وصفی داریم .

اگر معنا نداد ترکیب اضافی داریم .

گل زیبا = گلی زیبا تر « معنا می دهد پس ترکیب وصفی است »

دست علی = دستی علی تر « معنا نمی دهد پس ترکیب اضافی است »

کلمه « بسیار » را بین اسم اول و دوم اضافه می کنیم . اگر معنا داد ترکیب وصفی / اگر معنا نداد ترکیب اضافی

گل زیبا : گل (بسیار زیبا) ترکیب وصفی / دست علی : دست (بسیار علی) ترکیب اضافی

فعل : مهمترین قسمت جمله فعل است. بخش اصلی معنای جمله و انتقال دهنده پیام است . فعل بر انجام دادن کاری یا رویدان حالتی در زمان حال ، گذشته و آینده دلالت می کند .

به شما جوانان این ملت می گویم / جوان و نوجوان ما با استعداد است .

هرگاه بخواهیم مقصود خود را بیان کنیم از « زبان » استفاده می کنیم . وقتی بخواهیم مقصود خود را زیبا تر و تاثیرگذار تر بیان کنیم از ادبیات استفاده می کنیم .

خورشید طلوع کرد / خورشید لبخند زد

هوا تاریک شد / آسمان غمگین شد.

ابر شروع به باریدن کرد / آسمان آغوش گرم خود را به روی زمین باز کرد .



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد